

مدل کسب هویت جوانان استان آذربایجان غربی: نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۷

زینب حسینقلی‌بگی^۱، علی زینالی^{۲*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: بحران هویت در دوره نوجوانی اتفاق می‌افتد، اما هویت‌یابی در دوران نوجوانی و جوانی محقق می‌شود. بنابراین، هدف پژوهش بررسی مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی بود.

روش: این پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که از میان آنها ۴۰۰ دانشجو با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با پرسش‌نامه‌های تجدیدنظرشده سبک هویت (بنیون و آدامز، ۱۹۸۶)، شیوه‌های تربیتی والدین (زینالی و همکاران، ۱۳۹۰)، مزاج فرزندان (الیس و راثبارت، ۲۰۰۱) و سبک‌های دلبستگی (ون آدنهوون و همکاران، ۲۰۰۳) گردآوری و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که شیوه‌های تربیتی ناکارآمد و مزاج فرزندان بر دلبستگی نایمن، شیوه‌های تربیتی کارآمد و مزاج فرزندان بر دلبستگی ایمن و دلبستگی‌های ایمن و نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار مستقیم داشت ($P < 0/05$)، اما شیوه‌های تربیتی کارآمد بر دلبستگی نایمن، شیوه‌های تربیتی ناکارآمد بر دلبستگی ایمن و شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد و مزاج فرزندان بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت ($P > 0/05$). همچنین، شیوه‌های تربیتی کارآمد و مزاج فرزندان با میانجی‌گری دلبستگی ایمن بر کسب هویت و شیوه‌های تربیتی ناکارآمد با میانجی‌گری دلبستگی نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار غیرمستقیم داشت ($P < 0/05$)، اما شیوه‌های تربیتی ناکارآمد با میانجی‌گری دلبستگی ایمن بر کسب هویت و شیوه‌های تربیتی کارآمد و مزاج فرزندان با میانجی‌گری دلبستگی نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس این نتایج، توجه نقش به شیوه‌های تربیتی والدین، مزاج فرزندان و سبک‌های دلبستگی در شکل‌گیری کسب هویت ضروری است.

کلمات کلیدی: کسب هویت، شیوه‌های تربیتی والدین، مزاج فرزندان، سبک‌های دلبستگی، جوانان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

* نویسنده مسئول: zeinali@iau.ac.ir



Model of Acquiring Identity Among Youth of West Azerbaijan Province: The Role of Parenting Styles and Children's Temperament with Mediated of Attachment Styles

Received: 2025/02/12

Accepted: 2025/06/07

Zeinab Hosseingholibegi¹, Ali Zeinali^{*2}

Original Article

Abstract

Introduction: Identity development represents a crucial developmental task that begins in adolescence but continues into young adulthood. This study investigates how parenting styles and children's temperament influence identity formation among young adults, with particular attention to the mediating role of attachment styles.

Method: This correlational study employed structural equation modeling to examine relationships between key variables. Participants included 400 university students from both public and private institutions in West Azerbaijan province, selected through multi-stage cluster sampling during the 2022-2023 academic year. Data collection utilized standardized measures: the Revised Identity Style Inventory (Bennion & Adams, 1986), Parenting Styles Questionnaire (Zeinali et al., 2011), Children's Temperament Scale (Ellis & Rothbart, 2001), and Attachment Styles Questionnaire (Van Aken et al., 2003).

Results: The findings demonstrated significant relationships between all study variables. Ineffective parenting ($p < 0.01$) and children's temperament ($p < 0.05$) predicted insecure attachment, while effective parenting ($p < 0.01$) and temperament ($p < 0.01$) promoted secure attachment. Both attachment styles significantly influenced identity formation (secure: $p < 0.01$; insecure: $p < 0.05$). Mediation analysis revealed that effective parenting ($p < 0.01$) and temperament ($p < 0.05$) indirectly supported identity formation through secure attachment, while ineffective parenting ($p < 0.01$) hindered it via insecure attachment. Non-significant pathways included direct effects of parenting/temperament on identity formation (all $p > 0.05$) and some mediated relationships (all $p > 0.05$).

Conclusion: These results highlight the complex interplay between parenting practices, temperamental characteristics, and attachment security in shaping identity outcomes. The findings suggest that interventions improving parenting skills and fostering secure attachments may facilitate healthier identity formation processes among youth.

Keywords: Identity Formation, Parenting Styles, Temperament, Attachment Styles, Emerging Adulthood.

1. MA Student of Educational Psychology, Department of Psychology, Khoy, c., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Khoy, c., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

* Corresponding Author: ali.zeinali@iau.ac.ir

مقدمه

بحران هویت^۱ و تلاش برای هویت‌یابی^۲ با اینکه در دوره نوجوانی اتفاق می‌افتد، اما هویت‌یابی به معنای واقعی در دوره نوجوانی و جوانی محقق می‌شود (سزیزوسکا^۳، ۲۰۲۲). یافتن هویت یکی از وظایف اساسی دوران نوجوانی است که به مجموعه‌ای به هم پیوسته از شایستگی‌های فرد اشاره دارد (مظفر ثانی آذر، هاشمی نصرت‌آباد و نعمتی سوگلی تپه، ۱۴۰۳). هویت‌یابی به موازات رشد اخلاقی، فیزیکی، شناختی، اجتماعی و عاطفی رشد می‌کند (ویولانتی، سین و میوخرجی^۴، ۲۰۲۰). تلاش برای هویت‌یابی و دستیابی به هویت موفق، کسب هویت^۵ نام دارد که افرادی را نشان می‌دهد که با بحران‌های شخصی مربوط به هویت مواجه شدند و درباره آنها تصمیم‌گیری منطقی و متفکرانه گرفتند (نیلند و پیلی^۶، ۲۰۲۲). افرادی که به کسب هویت دست یافتند نسبت به چپستی خود و دیگران، انتخاب‌های گوناگون و چالش‌های زندگی درک و آگاهی لازم را دارند و با توجه به این انتخاب‌ها و چالش‌ها برای خود هویتی مجزا را ساختند و به آن متعهد و پایبند هستند (کیوکولا^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). کسب هویت به فاصله‌گذاری روان‌شناختی کمک می‌کند این فاصله‌گذاری به آمادگی برای فاصله‌گرفتن از دیگران و موقعیت‌هایی که ممکن است به‌طور مناسبی هویت فرد را خدشه‌دار کند، اطلاق می‌شود. بنابراین، کسب هویت نقش مهمی در کاهش استرس، حفظ و ارتقای سلامت روان و استفاده بهینه از فرصت‌های ممکن دارد (سیوسینو^۸، ۲۰۲۱).

یکی از عوامل مرتبط با هویت‌یابی، شیوه‌های تربیتی والدین^۹ است (دیگیفی^{۱۰}، ۲۰۱۸) که نشان می‌دهد والدین چه شیوه تربیتی برای تربیت، رشد و پرورش فرزندان به کار می‌برند و این شیوه‌ها، الگویی از نگرش‌ها، باورها و ارزش‌هایی هستند که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز و اعمال می‌نمایند (کیو و شیوم^{۱۱}، ۲۰۲۲). شیوه‌های تربیتی والدین مجموعه‌ای از گرایش‌ها، جلوه‌ها و اعمال کلامی و غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند (لی، چوی، پارک و پارک^{۱۲}، ۲۰۲۴). این شیوه‌ها تربیتی بر اساس دو ویژگی توقع و پاسخدهی طبقه‌بندی و چهار شیوه تربیتی مقتدر^{۱۳}، مستبد^{۱۴}، سهل‌گیر^{۱۵} و بی‌اعتنا^{۱۶} را به‌وجود می‌آورد که شیوه‌های مقتدر و سهل‌گیر، شیوه‌هایی کارآمد و شیوه‌های مستبد و بی‌اعتنا، شیوه‌هایی ناکارآمد است (فلدمن^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۵). والدین مقتدر سطح بالایی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخدهی، والدین مستبد سطح بالایی از توقع به همراه سطح پایینی از پاسخدهی، والدین سهل‌گیر سطح پایینی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخدهی و والدین بی‌اعتنا سطح پایینی از توقع به همراه سطح پایینی از پاسخدهی را از خود نشان می‌دهند (فونسیکا، موریرا و کاناوارو^{۱۸}، ۲۰۲۰). در شیوه تربیتی مقتدر، والدین بر رفتارهای فرزندان نظارت و از آنها حمایت می‌کنند و معیارهای واضحی برای رفتارهای آنان وضع می‌نمایند. در شیوه تربیتی مستبد، والدین بر رفتارهای فرزندان نظارت و کنترل می‌کنند و توقع دارند که آنها با بزرگ‌ترها به‌صورت محترمانه و مطیعانه رفتار نمایند. در شیوه تربیتی سهل‌گیر، والدین نسبت به فرزندان گرمی، صمیمیت و پذیرش مثبت نشان می‌دهند و بر رفتارهای آنها کنترلی اعمال نمی‌کنند. در شیوه تربیتی بی‌اعتنا، والدین هیچ کنترل و نظارتی بر رفتارهای فرزندان ندارند و از آنها حمایتی هم نمی‌کنند (جین و چن^{۱۹}، ۲۰۲۴).

1. Identity Crisis
2. Identification
3. Czynowska
4. Violante, Cain & Mukherjee
5. Acquiring Identity
6. Nyland & Pyle
7. Kukkola
8. Suseno
9. Parenting Styles
10. Degefe
11. Qiu & Shum
12. Lee, Choi, Park & Park
13. Authoritative
14. Authoritarian
15. Permissive
16. Indifferent
17. Feldman
18. Fonseca, Moreira & Canavarro
19. Jin & Chen

یکی دیگر از عوامل مرتبط با هویت‌یابی، مزاج فرزندان^۱ است (گاندھی، لیوکس، میترا، کیکنز و کلیس^۲، ۲۰۱۶) که استعدادها، خلق‌وخوها و ویژگی‌های افراد را شکل می‌دهد و از طریق تاثیر بر علاقه‌ها، ویژگی‌ها و رفتارها سبب تفاوت فرد با افراد دیگر می‌شود (سیتو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). مزاج به‌عنوان سازه‌ای نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی برای بروز احساس‌ها و انگیزه‌های مختلف در افراد از نخستین ماه‌های زندگی نمو یافته و ریشه در عوامل زیستی دارد و بر همه ابعاد زندگی اجتماعی، روانی، ذهنی و هیجانی فرد اثرگذار می‌باشد (آبرامسون^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). این سازه به معنای تفاوت‌های فردی محیطی و سرشتی نسبتاً پایدار در شدت و کیفیت واکنش‌های هیجانی، حرکتی، توجهی و خودنظم‌دهی است که می‌تواند بر راه‌های پاسخدهی به اطرافیان، تفسیر تجربه‌ها و نحوه دستکاری و تغییر محیط تاثیر می‌گذارد (هاروی، لمیلین و دیری^۵، ۲۰۲۲). مزاج فرزندان اصطلاحی برای بیان تفاوت‌های فردی در عادت‌ها و مهارت‌های ادراکی و متأثر از ویژگی‌های اخلاقی والدین، حمایت ادراک‌شده عاطفی و اجتماعی، تحصیلات و سن است که بر رفتارهای فرد تاثیر می‌گذارد (میوریلو^۶ و همکاران، ۲۰۲۴).

یکی از عواملی که می‌تواند بین هویت‌یابی با شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان نقش میانجی داشته باشد، سبک‌های دلبستگی^۷ است. بر اساس نظریه دلبستگی، زندگی کودک حول محور یک یا چند مراقب می‌باشد که نیازهای او را برآورده می‌سازند (فیوچس و تیوبنر^۸، ۲۰۱۹). دلبستگی در خلال سال‌های نوزادی و کودکی بر اساس ارتباط با مادر یا مراقب شکل می‌گیرد و تجربه‌های دلبستگی تعیین‌کننده تصور کودک از خود و دیگران در آینده خواهد بود (ملکیها و جعفری هرندی، ۱۴۰۳). دلبستگی به معنای پیوند و رابطه عمیق و عاطفی نسبتاً پایدار بین کودک و مادر (مراقب) در جهت دستیابی به امنیت است که نقش عمده و مهمی در رشد هیجانی و اجتماعی کودکان دارد (دونسی^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طور کلی دو سبک دلبستگی ایمن^{۱۰} و ناایمن^{۱۱} (اجتنابی^{۱۲}، اشتغال‌خاطر^{۱۳} و هراسان^{۱۴}) وجود دارد (ون آدنهوون، هافسترا و بکر^{۱۵}، ۲۰۰۳). به‌طوری‌که افراد دارای دلبستگی ایمن از والدین خود مراقبت‌ها و تعامل‌های گرم و مثبتی دریافت کردند و به خود و دیگران نگرش مثبت و مطلوبی دارند، با دیگران روابط مناسب و سازگاری برقرار می‌سازند، از روابط خود احساس رضایت و خشنودی دارند و همواره بین صمیمیت و استقلال تعادل برقرار می‌کنند. افراد دارای دلبستگی ناایمن از والدین خود مراقبت‌ها و تعامل‌های گرم و مثبتی دریافت نکردند و به خود یا دیگران نگرش مثبت و مطلوبی ندارند، با دیگران روابط مناسب و سازگاری برقرار نمی‌سازند، از روابط خود احساس رضایت و خشنودی ندارند و نمی‌توانند بین صمیمیت و استقلال تعادل برقرار کنند (پوزا^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۱).

پژوهش‌هایی درباره روابط شیوه‌های تربیتی والدین، مزاج فرزندان، سبک‌های دلبستگی و کسب هویت انجام شده است. نتایج پژوهش آگباریا، مهمید و ورونیس^{۱۷} (۲۰۲۱) نشان داد که شیوه‌های تربیتی مقتدر و بی‌اعتنا با الگوهای دلبستگی همبستگی مثبت و معنی‌دار و شیوه‌های تربیتی مستبد و سهل‌گیر با الگوهای دلبستگی همبستگی منفی و معنی‌دار داشت. جان‌فدا، امین یزدی و کارشکی (۱۴۰۱) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شیوه تربیتی مقتدر با هر سه سبک دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی و

1. Children's Temperament
2. Gandhi, Luyckx, Maitra, Kiekens & Claes
3. Saito
4. Abramson
5. Harvey, Lemelin & Dery
6. Murillo
7. Attachment Styles
8. Fuchs & Taubner
9. Donisi
10. Secure
11. Insecure
12. Avoidant
13. Ambivalent
14. Disorganized
15. Van Oudenhoven, Hofstra & Bakker
16. Pozza
17. Agbaria, Mahamid & Veronese

اشتغال خاطر همبستگی مثبت و معنی‌دار داشت، اما شیوه‌های تربیتی مستبد و سهل‌گیر با هیچ یک از دلبستگی‌ها همبستگی معنی‌داری نداشت. در پژوهشی دیگر خنشان و تمنائی‌فرد (۱۴۰۱) گزارش کردند که شیوه‌های تربیتی محبت و کنترل با دلبستگی‌های اضطرابی و دوری‌گزین رابطه منفی و معنی‌دار داشت. افزون بر آن، نتایج پژوهش گیری^۱ (۲۰۲۰) نشان داد که شیوه‌های تربیتی مقتدر، مستبد و سهل‌گیر می‌توانند سبب شکل‌گیری نوعی هویت‌یابی شوند. شیوه تربیتی مقتدر برخلاف مستبد و سهل‌گیر می‌تواند باعث شکل‌گیری هویت اطلاعاتی و شیوه‌های تربیتی مستبد و سهل‌گیر باعث ایجاد هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی شود. عباس‌پور، عطایی‌فر و مرادیان (۱۳۹۹) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های تربیتی کنترل-آزادی و محبت-طرد با سبک هویت سردرگم-اجتنابی رابطه منفی و معنی‌دار داشتند، اما با دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معنی‌داری نداشتند. در پژوهشی دیگر پورابراهیم، حیدری و خوش‌کنش (۱۳۹۰) گزارش کردند که شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد با هویت‌یابی رابطه معنی‌داری داشت. همچنین، نتایج پژوهش والش و زدپوریان^۲ (۲۰۲۲) نشان داد که بین مزاج عواطف منفی با دلبستگی اشتغال خاطر/ اضطرابی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت، اما بین آن با دلبستگی اجتنابی رابطه معنی‌داری وجود نداشت. بین مزاج کنترل سخت با دلبستگی اجتنابی و اشتغال خاطر/ اضطرابی رابطه معنی‌داری وجود نداشت. در پژوهشی دیگر عظیم‌پور، نعمتی‌هاییل و هادیان‌فرد (۱۳۹۹) گزارش کردند که از میان ابعاد خلق‌وخو فقط خودفراروی با دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنی‌دار، نوجویی، آسیب‌پرهیزی، همکاری و خودراهبری با دلبستگی اجتنابی رابطه مثبت و معنی‌دار و نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پشتکار، همکاری، خودراهبری و خودفراروی با دلبستگی اشتغال خاطر رابطه مثبت و معنی‌دار و وابستگی به پاداش با دلبستگی اشتغال خاطر رابطه منفی و معنی‌دار داشت؛ به طوری که سایر روابط ابعاد خلق‌وخو با سبک‌های دلبستگی رابطه معنی‌داری نداشت. نتایج پژوهش قاضیان، بشارت و رضازاده (۱۳۹۸) نشان داد که مزاج عاطفی با دلبستگی ایمن رابطه منفی و معنی‌دار و با دلبستگی نایمن رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. افزون بر آن، استانقیلینی و روسفورت^۳ (۲۰۱۰) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مزاج عاطفی می‌تواند نقش موثری در هویت شخصی داشته باشد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش برمن، ویمز، رودریگوئز و زامورا^۴ (۲۰۰۶) نشان داد که هویت سلب‌شده و پراکنده با اضطراب رابطه معنی‌دار مثبت داشتند و وضعیت هویت با دلبستگی رومانیک معنی‌دار منفی بود. محمدی، کاظمی رضایی، قاسمی ارگنه، کاظمی رضایی و موسوی (۱۳۹۶) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی با هیچ یک از سبک‌های هویت رابطه معنی‌داری نداشت و سبک دلبستگی اشتغال خاطر با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری نیز رابطه معنی‌داری نداشت، اما تنها رابطه معنی‌دار بین سبک دلبستگی اشتغال خاطر با سبک هویت سردرگم-اجتنابی بود. در پژوهشی دیگر شمس اسفندآباد، کاکاوند و ترابی (۱۳۹۰) گزارش کردند که دلبستگی ایمن با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و معنی‌دار داشت، اما با سبک هویت سردرگم-اجتنابی رابطه معنی‌داری نداشت. سبک دلبستگی اجتنابی با سبک هویت هنجاری رابطه مثبت و معنی‌دار داشت، اما با سبک‌های اطلاعاتی و سردرگم-اجتنابی رابطه معنی‌داری نداشت. سبک دلبستگی اشتغال خاطر با هیچ یک از سبک‌های هویت رابطه معنی‌داری نداشت.

عوامل بسیاری بر هویت نوجوانان و جوانان موثر هستند که شناخت این عوامل و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از آنها جهت شکل‌دهی هویت مطلوب و جلوگیری از وقوع و تثبیت هویت نامطلوب و ناتوانی در حل چالش‌ها و بحران‌های هویت لازم و ضروری است. از عوامل احتمالی موثر بر هویت می‌توان شیوه‌های تربیتی والدین، مزاج فرزندان و سبک‌های دلبستگی را نام برد که درباره اثر آنها بر هویت پژوهش‌های اندکی انجام‌شده و پژوهشی در این میان بر روی کسب هویت جوانان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی یافت نشد. در نتیجه، درباره روابط متغیرهای مذکور در جوانان به‌عنوان آینده‌سازان کشور پژوهش‌های بسیار اندکی

1. Giri
2. Walsh & Zadorian
3. Stanghellini & Rosfort
4. Berman, Weems, Rodriguez & Zamora

انجام‌شده و خلأهای زیادی در این زمینه وجود دارد. با توجه به مطالب مطرح‌شده، هدف پژوهش بررسی مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی بود.

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند که از میان آنها ۴۰۰ دانشجوی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بر اساس نظر کلاین (۲۰۱۱) حجم نمونه در پژوهش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر است و در این پژوهش نیز ۴۰۰ دانشجوی به‌عنوان نمونه انتخاب شد و آفت نمونه در پژوهش حاضر ۸۹ نفر بود. برای نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، ابتدا از میان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی استان آذربایجان غربی تعداد ۸ دانشگاه و از هر دانشگاه تعداد سه دانشکده یا گروه و از هر دانشکده یا گروه یک کلاس به روش تصادفی ساده انتخاب شد. لازم به ذکر است که در این مطالعه، ملاک‌های ورود به مطالعه شامل تمایل جهت شرکت در پژوهش، عدم دریافت خدمات روان‌شناختی در سه ماه گذشته و عدم اعتیاد و مصرف داروهای روان‌پزشکی بودند. همچنین، ملاک‌های خروج از مطالعه شامل انصراف از تکمیل ابزارهای پژوهش و عدم پاسخگویی به بیش از پنج درصد گویه‌های ابزارهای پژوهش بودند.

نحوه اجرای پژوهش این‌گونه بود که پس از بیان هدف برای مسئولان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی اجازه پژوهش گرفته شد و سپس نمونه‌گیری انجام و برای آنها نیز اهمیت و ضرورت پژوهش تبیین و درباره رعایت نکات و ملاحظات اخلاقی مانند رازداری، محرمانگی درباره اطلاعات شخصی و غیره اطمینان داده شد. در مرحله بعد از آنان خواسته شد تا موافقت خود را جهت شرکت در پژوهش اعلام نمایند و به ابزارهای پژوهش حاضر تشریح‌شده در زیر پاسخ دهند و از آنان به دلیل شرکت در پژوهش تقدیر و تشکر به عمل آمد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه تجدیدنظرشده سبک هویت^۱: در این پژوهش برای اندازه‌گیری کسب هویت از خرده‌مقیاس کسب هویت در پرسش‌نامه تجدیدنظرشده سبک هویت بنیون و آدامز^۲ (۱۹۸۶) استفاده شد. پرسش‌نامه مذکور شامل چهار خرده‌مقیاس کسب هویت، وقفه هویت، ضبط هویت و پراکندگی هویت است که در این پژوهش خرده‌مقیاس کسب هویت استفاده شد. خرده‌مقیاس کسب هویت ۱۶ گویه داشت که برای پاسخگویی به هر گویه آن از مقیاس شش درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۶= کاملاً موافقم) استفاده شد. نمره این ابزار با مجموع نمره گویه‌ها محاسبه می‌شود، لذا دامنه نمره‌های آن ۹۶-۱۶ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده کسب هویت مطلوب‌تر می‌باشد. بنیون و آدامز (۱۹۸۶) روایی سازه این ابزار را تایید و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۵۹ گزارش کردند. در ایران، پایایی، بخشیان، کریمیان و سعادت‌مهر (۱۳۹۸) پایایی کسب هویت را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر، مقدار پایایی کسب هویت با روش آلفای کرونباخ از طریق ضریب همبستگی بین گویه‌های آن ۰/۷۳ به‌دست آمد.

ب) پرسش‌نامه شیوه‌های تربیتی والدین^۳: در این پژوهش برای اندازه‌گیری شیوه‌های تربیتی کارآمد (مقتدر و سهل‌گیر) و ناکارآمد (مستبد و بی‌اعتنا) از پرسش‌نامه شیوه‌های تربیتی زینالی، شریفی، عنایتی، عسگری و پاشا (۱۳۹۰) استفاده شد. پرسش‌نامه مذکور برای پدرها ۲۷ گویه (۱۴ گویه شیوه کارآمد و ۱۳ گویه شیوه ناکارآمد) و برای مادرها ۲۵ گویه (۱۴ گویه شیوه کارآمد و ۱۱

1. Revised Identity Style Questionnaire
2. Bennion & Adams
3. Parenting Styles Questionnaire

گویه شیوه ناکارآمد) داشت که برای پاسخگویی به هر گویه آن از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) استفاده شد. نمره این ابزار با مجموع نمره گویه‌ها محاسبه می‌شود، لذا دامنه نمره‌های شیوه تربیتی کارآمد و ناکارآمد برای پدرها به ترتیب ۱۴-۷۰ و ۱۳-۶۵ و برای مادرها به ترتیب ۱۴-۷۰ و ۱۱-۵۵ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده بیشتر داشتن آن ویژگی می‌باشد. زینالی و همکاران (۱۳۹۰) روایی سازه این ابزار را تایید و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ در پدرها و مادرها گزارش کردند. در پژوهش حاضر، مقدار پایایی شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد با روش آلفای کرونباخ از طریق ضریب همبستگی بین گویه‌های آن به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۸ به دست آمد.

ج) پرسش‌نامه مزاج فرزندان^۱: در این پژوهش برای اندازه‌گیری مزاج فرزندان از پرسش‌نامه مزاج فرزندان ایس و رانبارت^۲ (۲۰۰۱) استفاده شد. پرسش‌نامه مذکور ۶۵ گویه داشت که برای پاسخگویی به هر گویه آن از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) استفاده شد. نمره این ابزار با مجموع نمره گویه‌ها محاسبه می‌شود، لذا دامنه نمره‌های آن ۳۲۵-۶۵ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده مشکل‌های مزاجی کمتر می‌باشد. ایس و رانبارت (۲۰۰۱) روایی محتوایی این ابزار را تایید و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کردند. در ایران، سلطانی و زینالی (۱۳۹۸) پایایی مزاج فرزندان را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر، مقدار پایایی مزاج فرزندان با روش آلفای کرونباخ از طریق ضریب همبستگی بین گویه‌های آن ۰/۷۷ به دست آمد.

د) پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی^۳: در این پژوهش برای اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن (اجتنابی، اشتغال خاطر و هراسان) از پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی ون آدنهوون و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد. پرسش‌نامه مذکور ۲۲ گویه (۸ گویه دلبستگی ایمن و ۱۴ گویه دلبستگی نایمن) داشت که برای پاسخگویی به هر گویه آن از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) استفاده شد. نمره این ابزار با مجموع نمره گویه‌ها محاسبه می‌شود، لذا دامنه نمره‌های سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن به ترتیب ۸-۴۰ و ۱۴-۷۰ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده بیشتر داشتن آن ویژگی می‌باشد. ون آدنهوون و همکاران (۲۰۰۳) روایی سازه این ابزار را تایید و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۷۴ گزارش کردند. در ایران، جوادی و زینالی (۱۳۹۷) پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۲ تا ۰/۸۰ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر، مقدار پایایی سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن با روش آلفای کرونباخ از طریق ضریب همبستگی بین گویه‌های آن به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۸۴ به دست آمد.

داده‌های جمع‌آوری شده در این مطالعه در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شدند؛ به طوری که در سطح توصیفی از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی برای توصیف نحوه توزیع متغیرهای و در سطح استنباطی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۹ و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته‌ها

در این پژوهش ۸۹ پرسش‌نامه مفقوده وجود داشت و تحلیل‌ها برای ۳۱۱ نفر انجام شد. نتایج فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی دانشجویان در جدول ۱ ارائه شد.

1. Children's Temperament Questionnaire
2. Ellis & Rothbart
3. Attachment Styles Questionnaire

جدول ۱. نتایج فراوانی و درصد فراوانی جمعیت‌شناختی دانشجویان

متغیر	سطح	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۱۹۸	۶۳/۶۷
	مرد	۱۱۳	۳۶/۳۳
تأهل	متاهل	۲۸۷	۹۲/۲۸
	مجرد	۲۴	۷/۷۲
سن	۱۸-۲۰ سال	۱۶۰	۵۱/۴۵
	۲۱-۲۵ سال	۱۲۲	۳۹/۲۳
	۲۶-۳۰ سال	۲۱	۶/۷۵
تحصیلات	۳۱-۳۵ سال	۸	۲/۵۷
	کاردانی	۳۷	۱۱/۹۰
	کارشناسی	۲۵۷	۸۲/۶۴
رشته تحصیلی	کارشناسی ارشد	۱۷	۵/۴۶
	علوم انسانی	۱۶۲	۵۲/۰۹
	فنی و مهندسی	۷۳	۲۳/۴۷
نوع دانشگاه	پیرایشکی	۷۶	۲۴/۴۴
	آزاد اسلامی	۱۲۹	۴۱/۴۸
	پیام نور دولتی	۹۸	۳۱/۵۱
		۸۴	۲۷/۰۱

طبق نتایج جدول ۱، بیشتر دانشجویان این پژوهش زن (۱۹۸ نفر معادل ۶۳/۶۷ درصد)، متأهل (۲۸۷ نفر معادل ۹۲/۲۸ درصد)، دارای سن ۱۸-۲۰ سال (۱۶۰ نفر معادل ۵۱/۴۵ درصد)، دانشجوی مقطع کارشناسی (۲۵۷ نفر معادل ۸۲/۶۴ درصد)، رشته تحصیلی علوم انسانی (۱۶۲ نفر معادل ۵۲/۰۹ درصد) و نوع دانشگاه آزاد اسلامی (۱۲۹ نفر معادل ۴۱/۴۸ درصد) بودند. نتایج میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی شیوه‌های تربیتی والدین، مزاج فرزندان، سبک‌های دلبستگی و کسب هویت دانشجویان در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. نتایج میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی شیوه‌های تربیتی والدین، مزاج فرزندان، سبک‌های دلبستگی و کسب هویت دانشجویان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. شیوه تربیتی کارآمد	۹۲/۳۳	۲۶/۶۴	۱					
۲. شیوه تربیتی ناکارآمد	۶۲/۹۱	۲۲/۱۷	-۰/۷۷**	۱				
۳. مزاج فرزندان	۲۰۷/۷۵	۳۷/۱۴	-۰/۳۷**	-۰/۴۱**	۱			
۴. دلبستگی ایمن	۲۶/۹۶	۳/۸۹	-۰/۵۲**	-۰/۴۹**	-۰/۳۵**	۱		
۵. دلبستگی نایمن	۴۴/۴۸	۱۰/۲۳	-۰/۳۸**	-۰/۴۴**	-۰/۳۵**	-۰/۲۹**	۱	
۶. کسب هویت	۶۶/۵۵	۱۰/۹۸	-۰/۳۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۱**	-۰/۵۱**	-۰/۳۴**	۱

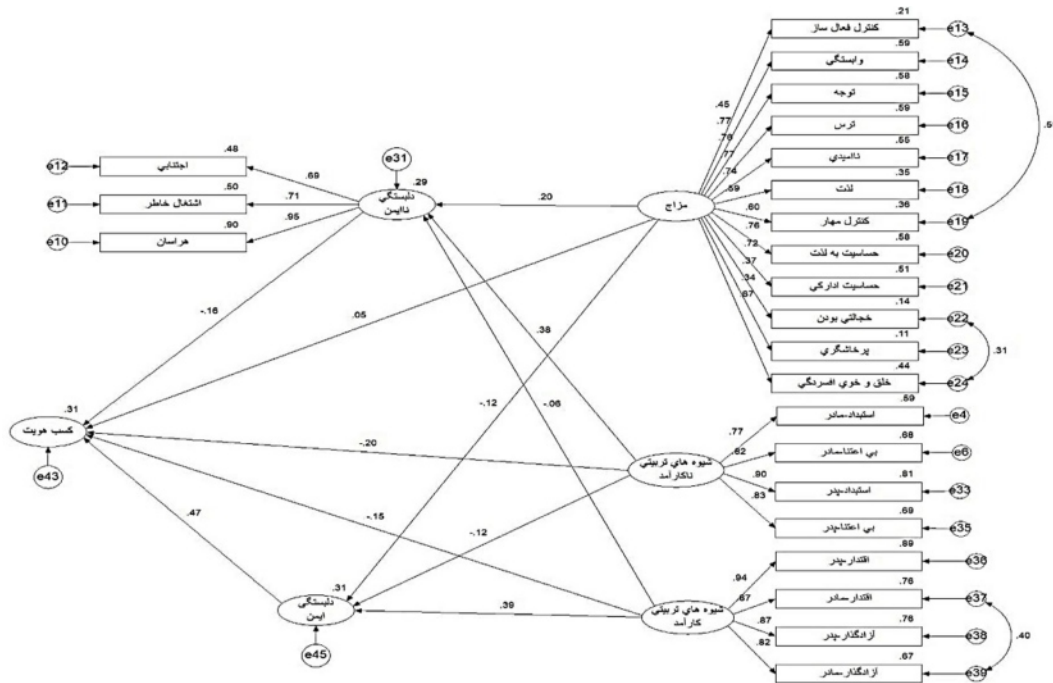
** $P < 0/01$

طبق نتایج جدول ۲، بین شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد والدین، مزاج فرزندان، سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن و کسب هویت دانشجویان همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود داشت ($P < 0/01$). علاوه بر وجود همبستگی کافی بین متغیرهای پژوهش در دانشجویان، فرض نرمال بودن همه متغیرهای پژوهش بر اساس مقادیر کجی و کشیدگی به دلیل قراردادن در دامنه ۱+ تا ۱- رد نشد. نتایج شاخص‌های برازش مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی دانشجویان در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. نتایج شاخص‌های برازش مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی دانشجویان

شاخص	GFI	AGFI	SRMR	CFI	NFI	NNFI	χ^2/df	PNFI	RMSEA
مقدار به‌دست آمده	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۰۳	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۶	۲/۷۶	۰/۷۱	۰/۰۶
حد پذیرش	>۰/۹۰	>۰/۸۰	<۰/۰۵	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۳	>۰/۶۰	<۰/۰۸

طبق نتایج جدول ۳، مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی دانشجویان برازش مناسب و مطلوبی داشت. مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی دانشجویان در شکل ۱ و نتایج اثرهای مستقیم مدل مذکور در جدول ۴ ارائه شد.



شکل ۱. مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی دانشجویان

جدول ۴. نتایج اثرهای مستقیم مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی دانشجویان

مسیر	اثر مستقیم	آماره t	معنی‌داری
به روی دلبستگی نایمن از طریق شیوه تربیتی کارآمد	-۰/۰۶	-۰/۵۱	۰/۶۱
شیوه تربیتی ناکارآمد	۰/۳۸	۳/۰۴	۰/۰۰۲
مزاج فرزندان	۰/۲۰	۳/۰۳	۰/۰۰۲
به روی دلبستگی ایمن از طریق شیوه تربیتی کارآمد	۰/۳۹	۳/۵۵	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی ناکارآمد	-۰/۱۲	-۱/۰۶	۰/۲۹
مزاج فرزندان	-۰/۱۲	-۲/۱۰	۰/۰۳
به روی کسب هویت از طریق شیوه تربیتی کارآمد	-۰/۱۵	-۱/۳۴	۰/۱۸
شیوه تربیتی ناکارآمد	-۰/۲۰	-۱/۷۲	۰/۰۹
مزاج فرزندان	۰/۰۵	۰/۸۷	۰/۳۸
دلبستگی ایمن	۰/۴۷	۸/۰۵	۰/۰۰۱
دلبستگی نایمن	-۰/۱۶	-۲/۶۶	۰/۰۰۸

طبق نتایج شکل ۱ و جدول ۴، شیوه‌های تربیتی ناکارآمد و مزاج فرزندان بر دل‌بستگی نایمن، شیوه‌های تربیتی کارآمد و مزاج فرزندان بر دل‌بستگی ایمن و دل‌بستگی‌های ایمن و نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار مستقیم داشت ($P < 0/05$)، اما شیوه‌های تربیتی کارآمد بر دل‌بستگی نایمن، شیوه‌های تربیتی ناکارآمد بر دل‌بستگی ایمن و شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد و مزاج فرزندان بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت ($P > 0/05$). نتایج اثرهای غیرمستقیم مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دل‌بستگی دانشجویان در جدول ۵ ارائه شد.

جدول ۵. نتایج اثرهای غیرمستقیم مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دل‌بستگی دانشجویان

مسیر	بتا	SE	معنی‌داری	حد پایین	حد بالا
به روی کسب هویت با میانجی‌گری دل‌بستگی ایمن از طریق					
شیوه تربیتی کارآمد	۰/۱۸	۰/۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۸	۰/۳۱
شیوه تربیتی ناکارآمد	-۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۵۱	-۰/۱۷	۰/۰۶
مزاج فرزندان	-۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۱۱	-۰/۰۱
به روی کسب هویت با میانجی‌گری دل‌بستگی نایمن از طریق					
شیوه تربیتی کارآمد	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۴۷	-۰/۰۲	۰/۰۷
شیوه تربیتی ناکارآمد	-۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۹	-۰/۱۶	-۰/۰۱
مزاج فرزندان	-۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۲۳	-۰/۰۶	۰/۰۱

طبق نتایج جدول ۵، شیوه‌های تربیتی کارآمد و مزاج فرزندان با میانجی‌گری دل‌بستگی ایمن بر کسب هویت و شیوه‌های تربیتی ناکارآمد با میانجی‌گری دل‌بستگی نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار غیرمستقیم داشت ($P < 0/05$)، اما شیوه‌های تربیتی ناکارآمد با میانجی‌گری دل‌بستگی ایمن بر کسب هویت و شیوه‌های تربیتی کارآمد و مزاج فرزندان با میانجی‌گری دل‌بستگی نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت ($P > 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و نقش کسب هویت بر سایر متغیرها و ویژگی‌ها، هدف این پژوهش بررسی مدل کسب هویت جوانان بر اساس نقش شیوه‌های تربیتی والدین و مزاج فرزندان با میانجی‌گری سبک‌های دل‌بستگی بود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت. این یافته‌ها از جهاتی با یافته‌های پژوهش‌های گیری (۲۰۲۰) مبنی بر عدم رابطه معنی‌دار شیوه‌های تربیتی مستبد و سهل‌گیر با هویت اطلاعاتی و عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۹) مبنی بر رابطه غیرمعنی‌دار شیوه‌های تربیتی کنترل-آزادی و محبت-طرد با دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری همسو بودند. در تبیین اثر غیرمعنی‌دار شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد بر کسب هویت می‌توان استنباط کرد که شیوه‌های تربیتی مقتدر و سهل‌گیر جزء شیوه‌های تربیتی کارآمد و شیوه‌های تربیتی مستبد و بی‌اعتنا جزء شیوه‌های تربیتی ناکارآمد هستند. والدین مقتدر سطح بالایی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخدهی و والدین سهل‌گیر سطح پایینی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخدهی را از خود نشان می‌دهند. در مقابل، والدین مستبد سطح بالایی از توقع به همراه سطح پایینی از پاسخدهی و والدین بی‌اعتنا سطح پایینی از توقع به همراه سطح پایینی از پاسخدهی را از خود نشان می‌دهند. از آنجایی که هویت‌یابی

نشان‌دهنده ترجیح نسبی افراد برای به‌کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود می‌باشد و کسب هویت نشان‌دهنده افرادی است که با بحران‌های شخصی مربوط به هویت مواجه شدند و درباره آن تصمیم‌گیری متفکرانه و منطقی انجام دادند، لذا این افراد نسبت به چالش‌ها و انتخاب‌های گوناگون و دشواری که زندگی برای آنها فراهم کرده، آگاهی دارند و با توجه به آنها برای خود هویتی مناسب می‌سازند و به آن متعهد و پایبند می‌باشند. بنابراین، کسب هویت بیشتر به خود فرد بستگی دارد و بر همین اساس نسبتاً مستقل از شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد والدین می‌باشد. در نتیجه، شیوه‌های تربیتی کارآمد و ناکارآمد بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشتند.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که مزاج فرزندان بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت. این یافته با یافته پژوهش‌گیری (۲۰۲۰) مبنی بر استانیلینی و روسفورت (۲۰۱۰) مبنی بر نقش مزاج عاطفی در هویت شخصی ناهمسو بودند. دلیل احتمالی تفاوت در نتایج پژوهش حاضر با پژوهش آنان این است که متغیرها و ابزارهای پژوهش متفاوت می‌باشند؛ به‌طوری که در پژوهش آنان فقط مزاج عاطفی و در پژوهش حاضر مزاج کلی مورد بررسی قرار گرفت که خود شامل مولفه‌های مختلفی است. افزون بر آن، در پژوهش آنان هویت شخصی به‌صورت کلی مورد بررسی قرار گرفت، اما در پژوهش حاضر کسب هویت مورد بررسی قرار گرفت و شاید این تفاوت در متغیرها و ابزارهای پژوهش سبب تفاوت در نتایج شده باشد. در تبیین اثر غیرمعنی‌دار مزاج فرزندان بر کسب هویت می‌توان استنباط کرد که ویژگی‌های مزاجی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده رفتار باشند. برای مثال کودکانی که در جستجوی تازگی هستند، مشکلات توجه بیشتری دارند. همچنین، کودکانی که سطح بالایی از اجتناب را دارند بیشتر با مشکل‌های درونی مانند اختلال اضطراب و افسردگی مواجه هستند. افزون بر آن، ویژگی‌های مزاجی می‌توانند کودکان را به‌طور متمایزی مستعد برخورد‌های خاصی برای تعامل با تجربه‌های محیطی کنند. برای مثال ویژگی مزاجی کم‌خطر مانند هیجان‌های مثبت و توجه بالا، ارتباط پرخطر والدین با آنها را تعدیل و ویژگی‌های مزاجی پرخطر مانند سطح فعالیت بالا و هیجان‌های منفی، ارتباط پرخطر والدین با آنها را تشدید می‌کند. بنابراین، مزاج را می‌توان هم به‌عنوان یک عامل خطر آفرین برای اختلال‌های هیجانی و رفتاری و هم به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده برای آنها و افزایش سازگاری در نظر گرفت. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که مزاج فرزندان اثر معنی‌داری بر کسب هویت نداشته باشد.

دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که دلبستگی‌های ایمن و نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار مستقیم داشت. این یافته‌ها از چهراتی با یافته‌های پژوهش‌های برمن و همکاران (۲۰۰۶) مبنی بر رابطه معنی‌دار مثبت هویت سلب‌شده و پراکنده با اضطراب و رابطه معنی‌دار منفی وضعیت هویت با دلبستگی، محمدی و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر رابطه معنی‌دار بین سبک دلبستگی اشتغال‌خاطر با سبک هویت سردرگم-اجتنابی و شمس اسفندآباد و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر رابطه مثبت و معنی‌دار دلبستگی ایمن با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و رابطه مثبت و معنی‌دار دلبستگی اجتنابی با سبک هویت هنجاری همسو بودند. در تبیین اثر معنی‌دار دلبستگی‌های ایمن و نایمن بر کسب هویت می‌توان استنباط کرد که دلبستگی به معنای پیوند عمیق و عاطفی نسبتاً پایدار بین کودک با مادر یا مراقب اصلی است و نقش مهمی در رشد اجتماعی و هیجانی کودک دارد. افراد دارای دلبستگی ایمن که از والدین و مراقب تعامل‌های گرم و مثبت دریافت کردند نسبت به خود و والدین یا افراد نزدیک نگرش مثبت دارند، با دیگران روابط بین‌فردی مناسبی برقرار می‌سازند، از روابط خود احساس رضایت و خوشنودی دارند و همواره بین صمیمیت و استقلال تعادل برقرار می‌کنند. دلبستگی نایمن شامل دلبستگی‌های اجتنابی، اشتغال‌خاطر و هراسان است. افراد دارای دلبستگی اجتنابی نگرش مثبت نسبت به خود دارند و به دیگران بی‌اعتماد هستند. بر این اساس این سبک با اختلال‌های شخصیت پارانویید مرتبط است و افرادی که شیوه اجتناب همراه با ترس و نگرانی را تجربه کردند، تلاش می‌کنند با دوری و اجتناب ترس‌ها و نگرانی‌های خود را کنترل و مدیریت نمایند. افراد دارای دلبستگی اشتغال‌خاطر نگرش منفی نسبت به خود و نگرش مثبت به دیگران دارند، معمولاً در روابط نزدیک خود نامطمئن و حسود هستند، آنان برای نزدیک‌شدن به دیگران با آنها ارتباط برقرار می‌سازند، اما همواره ترس از طردشدن دارند. افراد

دارای دلبستگی هراسان نگرش منفی نسبت به خود و دیگران دارند و معتقدند که ارزش دوست‌داشتن ندارند و دیگران هم افراد قابل اعتمادی نیستند که بتوان به آنها نزدیک شد. کسب هویت نشان‌دهنده افرادی است که با بحران‌های شخصی مربوط به هویت مواجه شدند و برای آن تصمیم‌گیری مناسبی گرفتند و به تصمیم‌ها و برنامه‌های هویتی خود متعهد و پایبند هستند. در نتیجه، دلبستگی‌های ایمن و نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار مستقیم داشتند که اثر دلبستگی ایمن مثبت و اثر دلبستگی نایمن منفی بود.

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که شیوه‌های تربیتی کارآمد با میانجی‌گری دلبستگی ایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار غیرمستقیم داشت، اما با میانجی‌گری دلبستگی نایمن بر آن اثر معنی‌داری نداشت. پژوهشی در این زمینه یافت نشد، اما در تبیین آن می‌توان استنباط کرد که منظور از شیوه‌های تربیتی کارآمد همان شیوه‌های مقتدر و سهل‌گیر والدینی است که در شیوه مقتدر، والدین قوانین مشخصی را برای اعضای خانواده تعیین می‌کنند و درباره دلیل وجود این قوانین برخلاف شیوه مستبد به اعضای خانواده توضیح‌هایی ارائه می‌دهند و حتی خود والدین نیز این قوانین را رعایت می‌کنند. در شیوه سهل‌گیر، والدین صمیمیت بسیار زیادی با فرزند خود دارند، کنترل زیادی بر آنان ندارند، برای فرزندان خود قوانین زیادی تعیین نمی‌کنند و اگر آنان از قوانین سرپیچی کنند، خیلی سخت نمی‌گیرند. به همین دلایل این فرزندان از دید دیگران افرادی پرتوقع و منفعت‌طلب هستند و چنین والدینی دوست فرزندان خود محسوب می‌شوند. افزون بر آن، دلبستگی ایمن برخلاف دلبستگی نایمن یک پایگاه امن روانی و یکی از ابعاد اصلی سلامت روان برای هر فردی محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز حرکت فرد به سمت استقلال و رشد تمام ابعاد شخصیتی باشد. به عبارت دیگر، دلبستگی ایمن برخلاف نایمن یک احساس آرامشی است که فرد از والدین خود به‌عنوان سرمنشأ آرامش و امنیت می‌گیرد. از آنجایی که کسب هویت اشاره به افرادی دارد که بحران هویت را تجربه و آن را به شکل مناسبی حل کردند، لذا افرادی را توصیف می‌کند که علاقه‌مند به هدف‌های واقع‌بینانه و سازگار با خواسته‌های محیطی هستند. در نتیجه، منطقی است که شیوه‌های تربیتی کارآمد با میانجی‌گری دلبستگی ایمن بتواند بر کسب هویت اثر معنی‌دار غیرمستقیم داشته باشد، اما با میانجی‌گری دلبستگی نایمن نتواند بر آن اثر معنی‌داری داشته باشد.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که شیوه‌های تربیتی ناکارآمد با میانجی‌گری دلبستگی‌های ایمن و نایمن بر کسب هویت اثر معنی‌داری نداشت. پژوهشی در این زمینه یافت نشد، اما در تبیین آن می‌توان استنباط کرد که منظور از شیوه‌های تربیتی ناکارآمد همان شیوه‌های مستبد و بی‌اعتنا است که در شیوه مستبد، والدین قوانین سختی را برای فرزندان در نظر می‌گیرند و انتظار دارند که فرزندان آنها بی‌چون و چرا از این قوانین اطاعت کنند و اگر این کار را انجام ندهند به سختی تنبیه می‌شوند. این والدین درباره چرایی قوانین به فرزندان خود توضیحی نمی‌دهند و فرزندان را به دلیل عدم رعایت قوانین خیلی سرزنش و تنبیه می‌نمایند و به‌ندرت از روش‌های تشویقی استفاده می‌کنند. در شیوه بی‌اعتنا، والدین هیچ توجه و اعتنایی به فرزندان خود درباره رعایت قوانین منزل یا عدم رعایت آن ندارند. چنین والدینی در جریان چگونگی وضعیت‌های فرزندان خود نیستند و رغبتی هم به این مسئله نشان نمی‌دهند. نکته مهم دیگر اینکه در چنین خانواده‌هایی قوانین بسیار اندکی حاکم است و فرزندان کمتر تحت حمایت و راهنمایی والدین خود قرار می‌گیرند. همچنین، دلبستگی ایمن برخلاف دلبستگی نایمن یک پایگاه امن روانی و یکی از ابعاد اصلی سلامت روان برای هر فردی محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز رشد استقلال و تمام ابعاد شخصیتی گردد. از آنجایی که کسب هویت اشاره به افرادی دارد که بحران هویت را تجربه و آن را به شکل مناسبی حل کردند و برای خود هدف‌های واقع‌بینانه و مطلوبی با توجه به خواسته‌های محیطی دارند. بنابراین، شیوه‌های تربیتی ناکارآمد سبب می‌شود که والدین با فرزندان خود درگیری و مشارکت فعال و مناسبی نداشته باشند و صرف‌نظر از اینکه فرزندان دارای دلبستگی ایمن یا نایمن باشند باید خودشان به‌دنبال حل مشکل‌های هویتی باشند و والدین به آنها هیچ کمک قابل توجهی نمی‌کنند. در نتیجه، منطقی است که شیوه‌های تربیتی ناکارآمد با میانجی‌گری دلبستگی‌های ایمن و نایمن نتواند بر کسب هویت اثر معنی‌داری داشته باشد.

دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که مزاج فرزندان با میانجی‌گری دلبستگی ایمن بر کسب هویت اثر معنی‌دار غیرمستقیم داشت، اما با میانجی‌گری دلبستگی نایمن بر آن اثر معنی‌داری نداشت. پژوهشی در این زمینه یافت نشد، اما در تبیین آن می‌توان استنباط کرد که مزاج فرزندان باعث شکل‌گیری استعدادها، خلق‌وخواها و ویژگی‌ها و تفاوت افراد با یکدیگر می‌شود. در واقع، مزاج هر فرد بر استعدادها، خلق‌وخواها، علاقه‌ها، ویژگی‌ها، رفتارها و روحیه‌های وی تاثیر می‌گذارد و به‌عنوان تفاوت‌های فردی میان بروز احساس‌ها و انگیزه‌های مختلف در افراد که از نخستین ماه‌های زندگی آنان نمو یافته و ریشه در عوامل زیستی دارد، نام می‌برند که به کلیه ابعاد اجتماعی، روانی، ذهنی، احساسی و روانی هر فرد اشاره دارد. افزون بر آن، دلبستگی سازه‌ای هیجانی است که در تمام افراد دنیا وجود دارد و همه افراد تحت تاثیر پیوندهای دلبستگی مختلف قرار دارند. فرزندان دارای دلبستگی ایمن برخلاف فرزندان دارای دلبستگی نایمن احساس اطمینان دارند که والدین یا مراقب آنها نیازهای آنان را برآورده می‌کند و حمایت قابل اعتمادی از آنها نشان می‌دهد که این امر سبب می‌شود که چنین فرزندان اعتماد به نفس کافی را برای کشف دنیای اطراف خود داشته باشند. از آنجایی که کسب هویت اشاره به افرادی دارد که بحران هویت را تجربه و آن را به شکل مناسبی حل کردند و هدف‌های منطقی و معقول برای خود انتخاب کردند، لذا مزاج مطلوب زمانی در فرزندان شکل می‌گیرد که والدین با آنها ارتباطی مبنی بر تحقق امنیت و سلامت داشته باشند و بر همین اساس سبک دلبستگی ایمن برخلاف نایمن می‌تواند میانجی مناسبی بین آنها باشد. در نتیجه، منطقی است که مزاج فرزندان با میانجی‌گری دلبستگی ایمن بتواند بر کسب هویت اثر معنی‌دار غیرمستقیم داشته باشد، اما با میانجی‌گری دلبستگی نایمن نتواند بر آن اثر معنی‌داری داشته باشد.

هر پژوهشی در هنگام اجرا با چالش‌ها و محدودیت‌های مواجه می‌شود که از مهم‌ترین آنها در پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از ابزارهای خودگزارشی، محدود شدن جامعه پژوهش به دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی استان آذربایجان غربی و ناتوانی در کنترل برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند انگیزه و رغبت بالای برخی دانشجویان جهت شرکت در پژوهش و انگیزه و رغبت پایین‌تر برخی دیگر از آنها اشاره کرد. در ابزارهای خودگزارشی ممکن است افراد خویشتن‌نگری کافی نداشته باشند و مسئولانه به گویه‌ها پاسخ ندهند که این امر تا حدودی دقت نتایج را کاهش می‌دهد. در این پژوهش برای جلوگیری از این امر به دانشجویان توضیح داده شد که هیچ پاسخ صحیح یا غلطی وجود ندارد و بهترین پاسخ، پاسخی است که گویای وضعیت واقعی آنها باشد. علاوه بر آن، دانشجویان در زمینه اهمیت و ضرورت پژوهش و ملاحظات اخلاقی توجیه شدند. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی دانشجویان سایر استان‌ها و یا حتی بر روی اساتید یا کارکنان دانشگاه انجام و نتایج آنها با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود. پیشنهاد پژوهشی دیگر اینکه در پژوهش‌های آتی اثر سایر متغیرهای شخصیتی و روان‌شناختی بر کسب هویت مورد بررسی و آزمون قرار گیرد.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مشاوران و روان‌شناسان برای بهبود هویت‌یابی و دستیابی به کسب هویت جوانان برای والدین دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی شیوه‌های تربیتی برگزار کنند و اثر مزاج فرزندان و سبک‌های دلبستگی بر آن را تشریح و تبیین نمایند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که والدین و مراقب‌کنندگان از کودکان برای جلوگیری از شکل‌گیری نامناسب هویت مراقب باشند تا کودکان تحت شیوه‌های تربیتی ناکارآمد و دلبستگی نایمن قرار نگیرند. افزون بر آن، پیشنهاد می‌شود که والدین و مراقب‌کنندگان از کودکان تلاش نمایند از شیوه‌های تربیتی کارآمد استفاده کنند. پیشنهاد دیگر اینکه مدیران، معلمان و مربیانی که با کودکان و نوجوانان سروکار دارند با تدارک برنامه‌ها و بازی‌های گروهی شاد و مفرح به دنبال بهبود هویت آنان باشند. آخرین پیشنهاد اینکه برنامه‌ریزان، مسئولان و دست‌اندرکاران به‌طور پیوسته برای والدین، مدیران، معلمان و مربیان مهدکودک‌ها برنامه‌های شیوه‌های تربیتی مناسب و بهبود سبک‌های دلبستگی و مزاج با هدف بهبود هویت‌یابی و دستیابی به کسب هویت برگزار نمایند.

تعارض منافع

بین نویسندگان این پژوهش هیچ تعارض منافی وجود نداشت.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان از مدیران و مسئولان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی استان آذربایجان غربی و دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش تشکر می‌نمایند.

منابع

- بابایی، انسیه؛ بخشیان، فرشته؛ کریمیان، آرام و سعادت‌مهر، سیدرضا. (۱۳۹۸). عوامل مرتبط با هویت‌یابی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان مازندران. *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۱۷(۳)، ۳۱۶-۳۰۷. <https://sjsph.tums.ac.ir/article-1-5798-fa.html>
- پورابراهیم، تقی؛ حیدری، جعفر و خوش‌کنش، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۳(۸)، ۲۴-۱۱. https://jcoc.sbu.ac.ir/article_99268.html
- جان‌فدا، مریم؛ امین‌یزدی، سیدامیر و کارشکی، حسین. (۱۴۰۱). رابطه سبک دلبستگی مادر و تحول هیجانی کارکردی کودکان زیر سه و نیم سال با میانجی‌گری شیوه فرزندپروری مادر. *نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۷(۵۹)، ۱۵۴-۱۳۵. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26454955.1401.17.59.7.8>
- جوادی، سولماز و زینالی، علی. (۱۳۹۷). آمادگی برای خیانت زناشویی: نقش شیوه‌های تربیتی والدین و سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۴)، ۵۴۸-۵۳۳. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97695.html
- خنشان، محبوبه و تمنائی‌فر، محمدرضا. (۱۴۰۱). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با اختلال خواب نوجوانان: نقش میانجی اعتیاد به اینترنت. *مجله رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۱۹۸-۱۸۵. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.1.17.4>
- زینالی، علی؛ شریفی، حسن پاشا؛ عنایتی، میرصلاح‌الدین؛ عسگری، پرویز و پاشا، غلامرضا. (۱۳۹۰). گسترش و رواسازی پرسش‌نامه شیوه‌های تربیتی والدین. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۶(۳)، ۱۴۵-۱۲۹. <https://www.sid.ir/paper/400616/fa>
- سلطانی، لادن و زینالی، علی. (۱۳۹۸). نقش شیوه‌های تربیتی، استعداد اعتیاد والدین و مزاج فرزند در پیش‌بینی استعداد اعتیاد دانش‌آموزان نوجوان. *فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد*، ۱۳(۵۴)، ۱۴۶-۱۲۷. <https://etiadpajohi.ir/article-1-2223-fa.html>
- شمس اسفندآباد، حسن؛ کاکاوند، علیرضا و ترابی، زهرا. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های دلبستگی و هویت با سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر قزوین. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۷(۲)، ۱۲۸-۱۰۷. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2011.143>
- عباس‌پور آذر، زهرا؛ عطایی‌فر، ربابه و مرادیان، طاهره. (۱۳۹۹). پیش‌بینی سبک هویت بر اساس رابطه فرزندپروری ادراک‌شده و نگرش منفی دختران نسبت به پدران. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۷(۳)، ۲۶-۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7>
- عظیم‌پور، علی‌رضا؛ نعمتی‌هابیل، فاطمه و هادیان‌فرد، حبیب. (۱۳۹۹). پیش‌بینی پرخاشگری دانشجویان بر اساس هوش، خلق‌وخو و دلبستگی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳۷، ۸۶-۶۵. <https://doi.org/10.22034/spr.2020.109697>
- قاضیان، مونا؛ بشارت، محمدعلی و رضازاده، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین با توجه به نقش تعدیل‌کننده مزاج عاطفی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۰(۱)، ۶۱-۴۳. <https://doi.org/10.22059/japr.2019.258348.642852>
- محمدی، شهناز؛ کاظمی رضایی، سیدعلی؛ قاسمی ارگنه، حامد؛ کاظمی رضایی، سیدولی و موسوی، سیده‌عادله. (۱۳۹۶). رابطه ابعاد شخصیت با سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان با آسیب شنوایی. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۴(۱)، ۹۸-۸۸. <https://childmentalhealth.ir/article-1-99-fa.html>

- ملکپها، مرضیه و جعفری هرندی، رضا. (۱۴۰۳). پیش‌بینی اشتغال‌پذیری خود- ادراک‌شده بر اساس سبک‌های دلبستگی، ذهنی‌سازی و بلندپروازی مسیر شغلی در فارغ‌التحصیلان دانشگاه. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۵۶، ۱۶۰-۱۴۵. <https://doi.org/10.22034/spr.2025.456512.1947>
- مظفر ثانی آذر، نسرین؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج و نعمتی سوگلی تپه. (۱۴۰۳). رابطه سبک‌های اسنادی و هویت با مسئولیت‌پذیری: نقش میانجی ادراک شایستگی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۵۶، ۱۹۵-۱۷۷. <https://doi.org/10.22034/spr.2025.476277.1983>
- Abramson, L., Pener-Tessler, R., Kleper, D., Saudino, K. J., Gagne, J. R., Angel, M., & Knafo-Noam, A. (2024). The structure, development, and etiology of observed temperament during middle childhood. *Developmental Psychology*, 60(11), 2084–2100. <https://doi.org/10.1037/dev0001818>
- Agbaria, Q., Mahamid, F., & Veronese, G. (2021). The association between attachment patterns and parenting styles with emotion regulation among Palestinian preschoolers. *SAGE Open*, 11(1), 1-11. <https://doi.org/10.1177/2158244021989624>
- Bennion, L. D., & Adams, G. R. (1986). A revision of the extended version of the objective measure of ego identity status; an identity instrument for use with late adolescence. *Journal of Adolescent Research*, 1(2), 183-198. <https://doi.org/10.1177/074355488612005>
- Berman, S. L., Weems, C. F., Rodriguez, E. T., & Zamora, I. J. (2006). The relation between identity status and romantic attachment style in middle and late adolescence. *Journal of Adolescence*, 29(5), 737-748. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2005.11.004>
- Czynowska, N. (2022). Identity processing style and meaning in life among emerging adults: Mediation role of commitment. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(6585), 1-11. <https://doi.org/10.3390/ijerph19116585>
- Degefe, A. (2018). Adolescents' identity formation and parenting styles in Dire Sabian secondary school, Dire Dawa. *Research on Humanities and Social Sciences*, 8(7), 50-58. <https://www.iiste.org/Journals/index.php/RHSS/article/view/41975>
- Donisi, V., Perlini, C., Mazzi, M. A., Rimondini, M., Garbin, D., Ardenghi, S., & et al. (2022). Training in communication and emotion handling skills for students attending medical school: Relationship with empathy, emotional intelligence, and attachment style. *Patient Education and Counseling*, 105(9), 2871-2879. <https://doi.org/10.1016/j.pec.2022.05.015>
- Ellis, L. K., & Rothbart, M. K. (2001). *Revision of the early adolescent temperament questionnaire*. Poster presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, Minneapolis, Minnesota. <https://research.bowdoin.edu/rothbart-temperament-questionnaires/files/2016/09/lesa-ellis-srcd-poster-reprint.pdf>
- Feldman, J. S., Zhang, Y., Miller, E. B., Morris-Perez, P. A., Gajewski-Nemes, J. A., Canfield, C. F., & et al. (2025). Parenting styles from infancy to toddlerhood in Black/African American and Latina mothers with low incomes. *Early Childhood Research Quarterly*, 71, 81-91. <https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2024.12.003>
- Fonseca, A., Moreira, H., & Canavarro, M. C. (2020). Uncovering the links between parenting stress and parenting styles: The role of psychological flexibility within parenting and global psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 18, 59-67. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2020.08.004>
- Fuchs, N. F., & Taubner, S. (2019). Exploring the interplay of attachment style and attachment-related mood on short-term change in mentalization: A pilot study. *Personality and Individual Differences*, 144, 94-99. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.02.037>
- Gandhi, A., Luyckx, K., Maitra, S., Kiekens, G., & Claes, L. (2016). Reactive and regulative temperament and non-suicidal self-injury in Flemish adolescents: The intervening role of identity formation. *Personality and Individual Differences*, 99, 254-259. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.05.007>
- Giri, S. P. (2020). Influence of different parenting styles on adolescents' identity construction. *Cross-Currents: An International Peer-Reviewed Journal on Humanities & Social Sciences*, 6(11), 138-141. <http://dx.doi.org/10.36344/ccijhss.2020.v06i11.003>
- Harvey, E., Lemelin, J. P., & Dery, M. (2022). Student-teacher relationship quality moderates longitudinal associations between child temperament and behavior problems. *Journal of School Psychology*, 91, 178-194. <https://doi.org/10.1016/j.jsp.2022.01.007>

- Jin, Y., & Chen, W. (2024). Relationship between authoritative parenting style and preschool children's emotion regulation: A moderated mediation model. *International Journal of Mental Health Promotion*, 26(3), 189-198. <https://doi.org/10.32604/ijmhp.2023.045331>
- Kaya, I., Seven, S., & Ildiz, G. I. (2020). The contributions of temperament characteristics to attachment in 6-year-old children. *International Education Studies*, 13(7), 156-162. <http://dx.doi.org/10.5539/ies.v13n7p156>
- Kukkola, A., Mayry, A., Keinonen, K., Lappalainen, P., Tunkkari, M., & Kiuru, N. (2023). The role of psychological flexibility and socioeconomic status in adolescent identity development. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 30, 112-120. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2023.09.005>
- Lee, S., Choi, H., Park, M. H., & Park, B. (2024). Differential role of negative and positive parenting styles on resting-state brain networks in middle-aged adolescents. *Journal of Affective Disorders*, 365, 222-229. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2024.08.096>
- Murillo, A. S., Clifford, S., Cheng, C. H., Doane, L. D., Davis, M. C., & Lemery-Chalfant, K. (2024). Development of temperament types from infancy to adolescence: Genetic and environmental influences with an economically and racially/ethnically diverse sample. *Developmental Psychology*, 60(11), 2200-2219. <https://doi.org/10.1037/dev0001828>
- Nyland, J., & Pyle, B. (2022). Self-identity and adolescent return to sports post-ACL injury and rehabilitation: Will anyone listen? *Arthroscopy, Sports Medicine, and Rehabilitation*, 4(1), 287-294. <https://doi.org/10.1016/j.asmr.2021.09.042>
- Pozza, A., Dettore, D., Marazziti, D., Doron, G., Barcaccia, B., & Pallini, S. (2021). Facets of adult attachment style in patients with obsessive-compulsive disorder. *Journal of Psychiatric Research*, 144, 14-25. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2021.09.045>
- Qiu, C., & Shum, K. K. (2022). Relations between caregivers' emotion regulation strategies, parenting styles, and preschoolers' emotional competence in Chinese parenting and grandparenting. *Early Childhood Research Quarterly*, 59, 121-133. <https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2021.11.012>
- Saito, T., Toda, H., Inoue, T., Koga, M., Tanichi, M., Takeshita, S., & et al. (2019). Relationship between the subtypes of child abuse and affective temperaments: Comparison of depression and bipolar disorder patients and healthy controls using the reclassified child abuse and trauma scale. *Journal of Affective Disorders*, 257, 396-403. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.06.043>
- Stanghellini, G., & Rosfort, R. (2010). Affective temperament and personal identity. *Journal of Affective Disorders*, 26(1-2), 317-320. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2010.02.129>
- Suseno, E. (2021). Analyzing four identity status on saikaku's short "two old cherry trees still in bloom" to enhance critical reading. *Journal of Culture, Arts, Literature and Linguistics*, 7(1), 39-52. <http://dx.doi.org/10.30872/calls.v7i1.4746>
- Van Oudenhoven, J. P., Hofstra, J., & Bakker, W. (2003). Ontwikkeling en evaluatie van de Hechtingstijlvragenlijst (HSL). [Development and evaluation of the attachment styles questionnaire]. *Nederlands Tijdschrift voor de Psychologie*, 58, 95-102. <https://research.rug.nl/en/publications/ontwikkeling-en-evaluatie-van-de-hechtingstijlvragenlijst-hsl>
- Violante, A. E., Cain, K., & Mukherjee, S. (2020). What does it mean to be American? Perceptions of national identity amongst adults and children. *International Journal of Intercultural Relations*, 78, 53-64. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2019.11.005>
- Walsh, G., & Zadurian, N. (2022). Exploring the links between parental attachment style, child temperament and parent-child relationship quality during adolescence. *Journal of Child and Family Studies*, 32, 2721-2736. <https://doi.org/10.1007/s10826-022-02447-2>